

میمون و طاووس



نوشته: دکتر وحید قدرشناس

تصویرگران: حمیدرضا پورحسین / الف.کاظم زاده

به نام خدا

میمون و طاووس





نوشته : .... دکتر وحید قدرشناس

تصویرگران : .... حمیدرضا پورحسین / الف . کاظم زاده

انتشارات : .... مهر امیرالمومنین(علیه السلام)

چاپ : .... شریعت

تیراژ : .... ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : .... اول/ پاییز ۸۴

قیمت: ۲۰۰۰

شابک: X-۰۰-۹۹۰۴-۹۶۴

قدرشناس، وحید، ۱۳۳۵ -

میمون و طاووس/ نوشته وحید قدرشناس؛ تصویرگر حمیدرضا پورحسین.-

قم: مهر امیرالمو منین علیه السلام، ۱۳۸۴.

۱۲ص. :مصور (رنگی) قیمت ۲۰۰۰

شابک: x-۰۰-۹۹۰۴-۹۶۴ ISBN: 964-9904-00-x

۱. داستانهای حیوانات الف. پورحسین، حمیدرضا، تصویرگر.- عنوان.

م ۴۲۴ ق ۵۹۰ دا



مرکز پخش : قم:بلوار شهید منتظری ، ساختمان شهاب ، انتشارات مهر امیرالمومنین(علیه السلام) .

تلفن :۷۷۴۶۵۴۶-۰۲۵۱ / نمابر : ۷۷۴۲۹۹۷-۰۲۵۱/ همراه: ۰۹۱۲۲۷۵۲۰۲۹



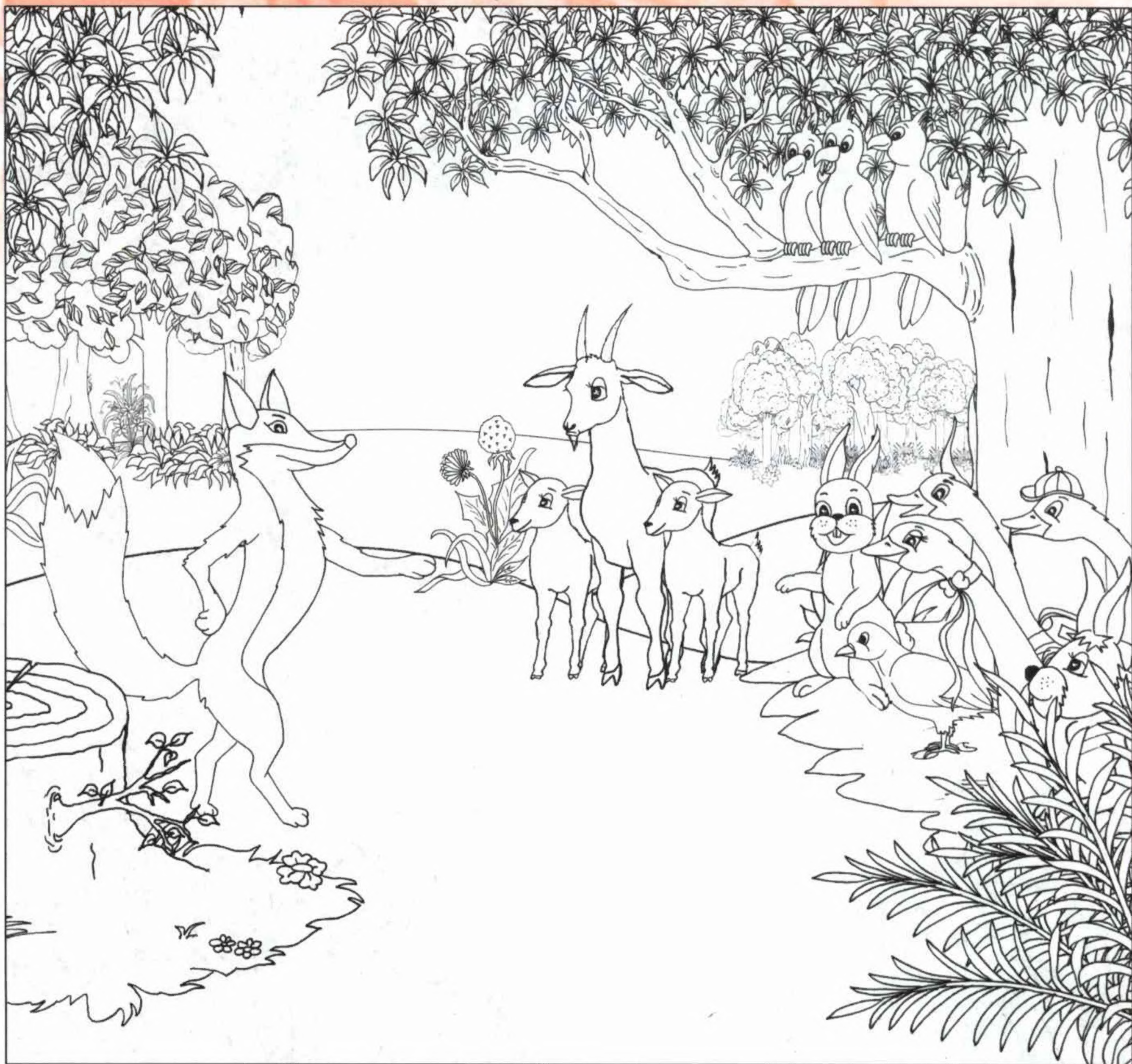
روزی بود روزگاری بود غیر از خدا روز اوّل کسی نبود.
در یک جنگل بسیار سبز که دارای درختان بلند و گلهای قشنگ و رنگارنگ بود حیوانات زیادی زندگی می‌کردند و هر کدام به کاری مشغول بودند بز زنگوله پای سفید رنگی با دو بزغالهٔ کوچولوی خود با شادی تمام بازی می‌کردند سه تا طوطی با رنگهای سبز و قرمز و زرد در آسمان



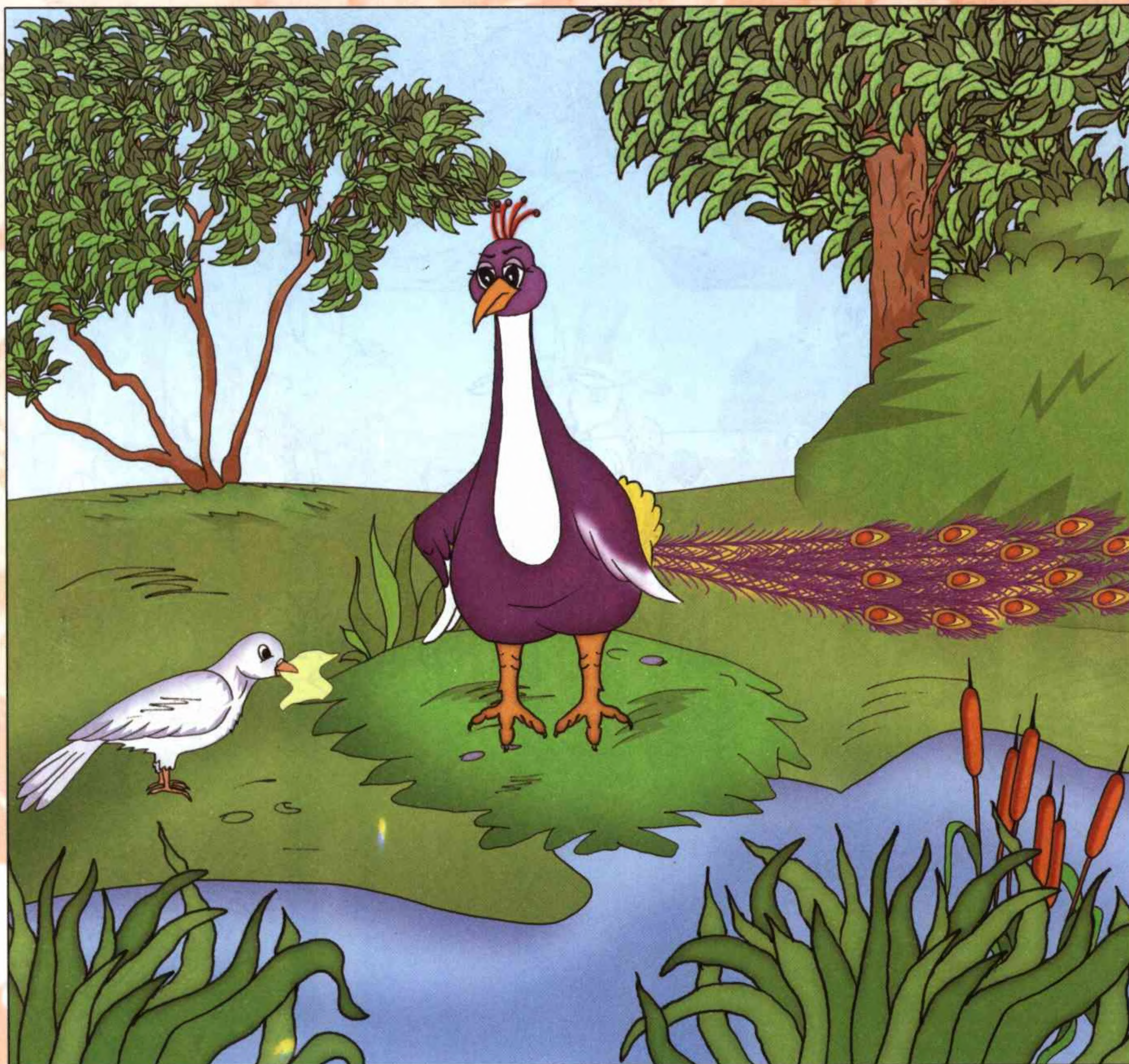
آبی به آرامی پرواز می‌کردند و از خاطرات دوران دبستان تعریف می‌کردند. خرگوش سفید با همسر خود که قهوه‌ای نام داشت در گوشه‌ای از جنگل مشغول قدم زدن بودند و به غازهایی که به مدرسه می‌رفتند نگاه می‌کردند. غازها از رفتن به مدرسه خیلی خیلی شاد بودند. حتماً معلّم آنها خنده رو و خوش اخلاق بوده‌است. قبل از ظهر حیوانات مثل روزهای گذشته دور هم جمع



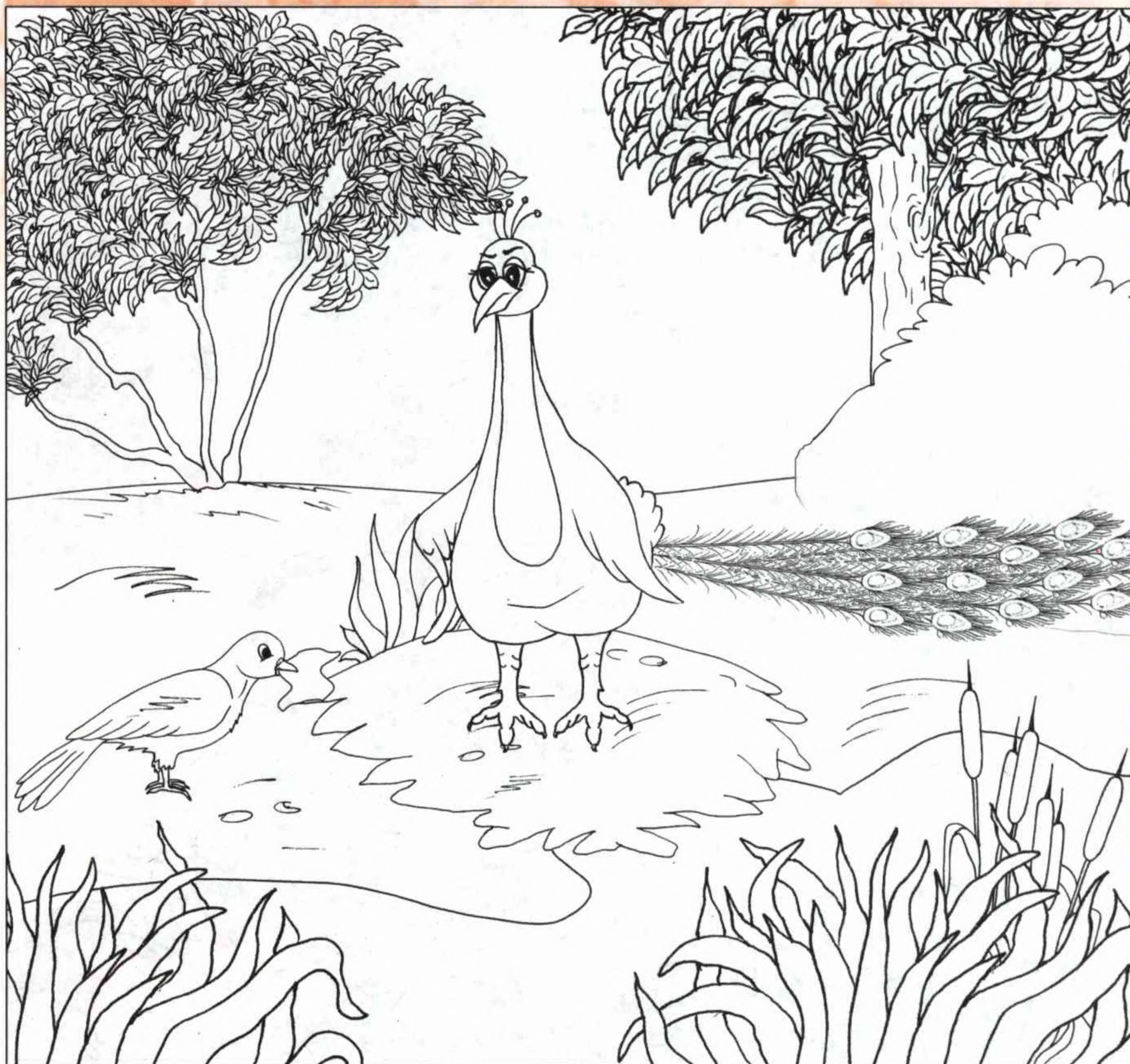
شدند و از هر دری سخن می‌گفتند که ناگهان روباه قرمز حیله‌گر که دم زرد زیبایی داشت از جا بلند شد و حیوانات را به سکوت دعوت کرد. بعد از ساکت شدن حیوانات. روباه گفت: بچه‌ها یک فکری به نظرم رسید. بیایید امروز زیباترین و زشت‌ترین حیوانات جنگل را انتخاب کنیم. البته بچه‌ها، منظور روباه مکّار، خودش بود. او فکر می‌کرد زیباترین حیوان است. به هر حال



حیوانات هم بخاطر سرگرمی قبول کردند و رأی‌گیری شروع شد. بعد از یکساعت رأی دادن، نتیجه آن اعلام شد: زیباترین حیوان ، طاووس ؛ زشت‌ترین حیوان ، میمون
این را هم بگویم که هر دوی این حیوانات یعنی طاووس و میمون غایب بودند. به هر جهت کبوتر نامه رسان را فرستادند و او به درب منزل هر کدام رفت و خبر خوشحال کننده را به طاووس و



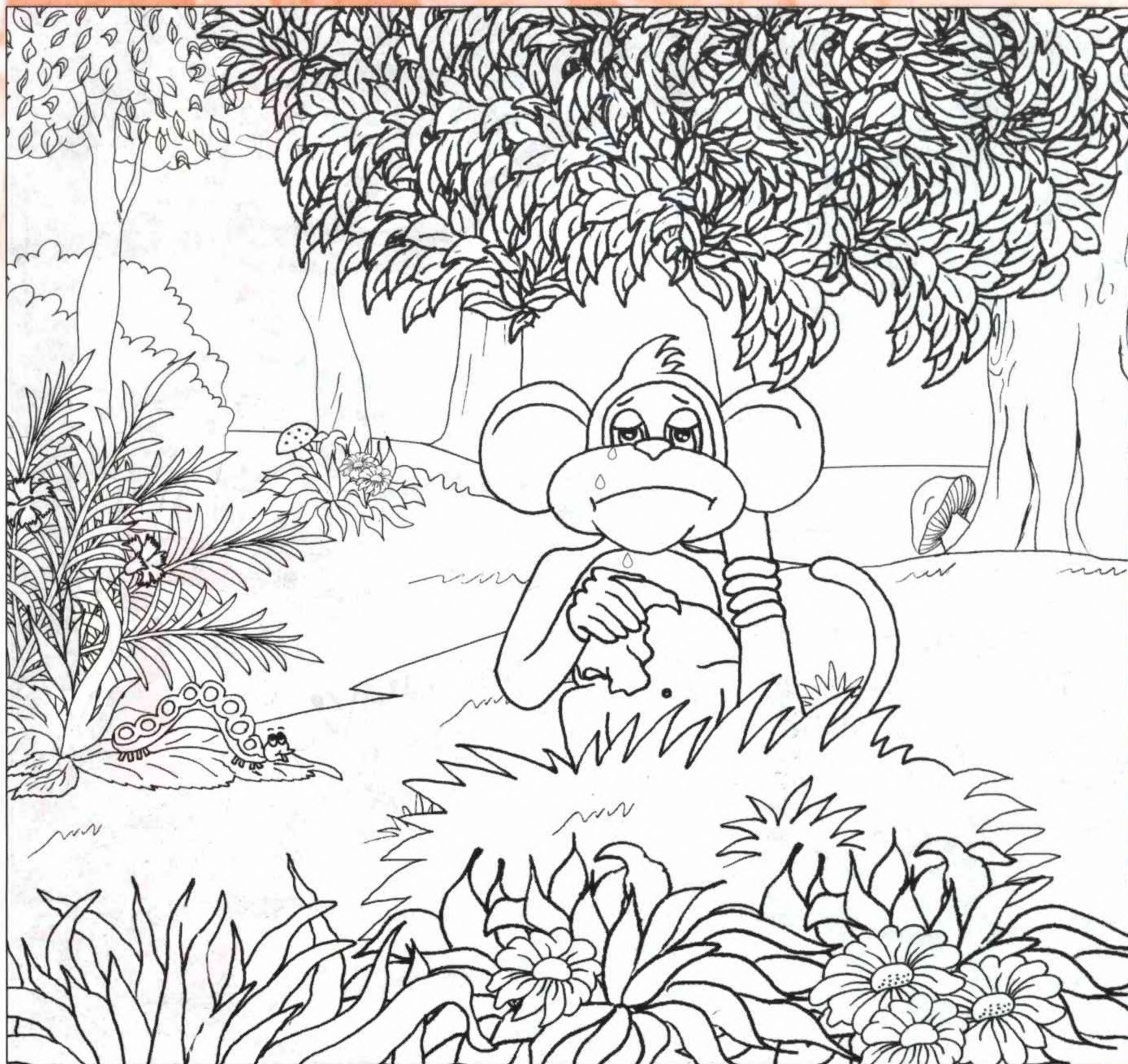
خبر غم‌انگیز را به میمون رساند. امّا بچّه‌ها چشمتان روز بد نبیند. هم طاووس ناراحت شد وهم میمون. زیرا طاووس خیلی با ادب و فروتن بود و اصلاً خودش را زیبا نمی‌دید و بلکه همیشه دیگران را بهتر از خودش می‌دید. برعکس بعضی‌ها که خودخواه و مغرور و متکبّر هستند و خداوند آنها را دوست ندارد و از آنها بدش می‌آیدَ، میمون هم به این جهت ناراحت شد که او را مسخره کرده بودند.



به هر صورت هر کسی دلش می‌خواهد که دیگران به او محبّت نمایند و عزّت داشته باشد. طاووس بعد از این ناراحتی، بیکار ننشست و برای دفاع از میمون به سمت حیوانات رفت و جلسه‌ای را تشکیل داد و با عصبانیّت با آنها صحبت کرد و در همان جلسه از کبوتر نامه‌رسان خواست تا به منزل میمون برود و دعوتنامه را به او بدهد. حیوانات منتظر ماندند و ساعتی بعد میمون را گریه کنان



مشاهده کردند که به سوی آنها می‌آمد و با ناراحتی زیاد آمد و گوشه‌ای نشست. طاووس روی کندهٔ درختی رفت و پس از حمد خداوند متعال و سلام و احوالپرسی، شروع به سخنرانی نمود: بچّه‌ها هدف از جمع شدن ما این است که نکته‌ای خدا پسندانه و اخلاقی را به شما عزیزانم یاد بدهم و قبلاً از اینکه من عصبانی شدم معذرت می‌خواهم. اولاً تشکر می‌کنم که به من رأی دادید



ثانیاً بدانید با رأی دادن به من به عنوان زیباترین حیوانات، دل یک موجودی را که خداوند او را اینگونه خلق کرده شکستید و وقتی که فهمیدم میمون را بعنوان زشت‌ترین انتخاب کردید خیلی خیلی ناراحت شدم. چون به نظر من او خیلی زیباست و از طرفی ما باید درغم یکدیگر شریک باشیم. بچه‌ها ازپدرم که خداوند او را رحمت کند شنیدم که می‌گفت: خداوند زیباست و زیباییها



را دوست دارد و این حرف را از یک رهگذر در جنگل شنیده بود که آن رهگذر فردی عالم و آگاه بوده است. بچه‌ها خداوند چون خودش خوب و زیبا است هیچ مخلوق زشتی را نیافریده است و آنچه که زشت است، کار زشت و فکر زشت است که ما نباید انجام بدهیم. همهٔ شما با مسخره کردن میمون گناه کردید و اگر توبه نکنید باید منتظر عذاب باشید. در همین لحظه گربهٔ خال



خالی دستش را بالا گرفت و گفت: طاووس جان ببخشید عذاب یعنی چه؟ طاووس گفت: آفرین بر تو. عذاب یعنی نباریدن باران به طوری که که علفها خشک می‌شوند و آن وقت حیوانات ازگرسنگی و تشنگی می‌میرند. عذاب یعنی آمدن زلزله و سیل و طوفان. تازه پدرم از آن فرد رهگذر که هر روز از اینجا می‌گذشته و همه را نصیحت می‌کرده شنیده بود که خداوند مهربان در آخرت هم ما را عذاب می‌کند اگر در دنیا بد باشیم. به هر صورت عذاب خداوند یعنی قهر کردن او و گرفتن نعمت‌ها. در همین



موقع روباه حیله گر که سر عقل آمده بود بلند شد و با گریهٔ فراوان معذرت خواهی کرد و گفت: بچه‌ها بد کردم. نفهمیدم. من از میمون معذرت خواهی می‌کنم. در همین لحظه میمون بلند شد و او را در بغل گرفت و گفت: روباه جان گریه نکن که طاقت ناراحتی تو را ندارم. همهٔ حیوانات از دیدن این صحنه‌ها، اشک محبت در چشمانشان جاری شد و همگی به هم قول دادندکه تا آخر عمر هیچ گناهی را انجام ندهند.







پدر خوبم ، مادر عزیزم !
در این دنیای شلوغ که هر کس به فکر خویش است بی پناه ترین مَنم .
چون کودکم و توان دفاع از خود را ندارم .
مادرم! به آغوش تو پناه آورده‌ام که مرا نجات دهی .
غذای جانم را تامین کردی و این کتاب هم بهترین غذای روحم است .
و از تو می‌خواهم همیشه بهترین‌ها را جلوی پایم بگذاری .
بهترین کتاب بهترین هم نشین بهترین یار


ISBN: 964 - 9904 - 00 - X
9789649904009



انتشارات مهر امیرالمومنین

قم/بلوار شهید منتظری/ساختمان شهاب / تلفن :۷۷۴۶۵۴۶ / نمابر : ۰۲۵۱-۷۷۴۲۹۹۷

شابک: ۹۶۴-۹۹۰۴-۰۰-X